



## چالشها و فرصتها در محیط امنیتی خاورمیانه

به رغم اهمیت استراتژیک خاورمیانه، مکانیزمهای مؤثری برای همکاری امنیتی-دفاعی در این منطقه وجود ندارد. با شکست فرآیند صلح، تنش بین اسرائیل و اعراب با آغاز انتفاضه دوم تشدید شده، و در چنین شرایطی بیش از گذشته بازیگران منطقه‌ای با افزایش بودجه‌های دفاعی و خریدهای تسلیحاتی به ارتقا «جایگاه نسبی خود در سیستم توازن قوای نظامی در خاورمیانه خواهند اندیشید. مدت‌ها است که کشورهای منطقه با هزینه‌های نظامی گزاف و خریدهای تسلیحاتی نابخردانه فرصتهای توسعه پایدار خود را هدر داده و بر تهدیدها و چالشهای موجود در محیط امنیتی منطقه‌ای افزوده‌اند. براساس آمارهای موجود، کشورهای خاورمیانه با جمعیت ۲۲۳ میلیونی خود ارتشی ۲٫۵ میلیون نفری تشکیل داده، و با میانگین درآمد ناخالص ملی سرانه ۳۱۰۰ دلاری خود، ۷٫۶ درصد از کل درآمد منطقه را به بخش نظامی اختصاص داده‌اند. ایالات متحده آمریکا عنوان بزرگترین صادرکننده تسلیحات (با ۵۵ درصد سهم از صادرات جهانی اسلحه)، خاورمیانه بالاترین رتبه واردکننده را با سهم ۲۸ درصدی خود از کل واردات تسلیحات در جهان از آن خود ساخته‌اند. تمام اعضای دایم شورای امنیت سازمان ملل و نیز آلمان در زمره مهمترین کشورهای صادرکننده اسلحه به این منطقه بوده‌اند. باید اشاره کرد که کشورهای خاورمیانه‌ای مانند عربستان سعودی، ترکیه، مصر، اسرائیل، امارات متحده عربی و کویت دارای بالاترین رتبه‌های جهانی در بین دریافت کنندگان جنگ افزارهای متعارف بوده‌اند.

با توجه به این امر که امریکا و روسیه در سال جاری قوانین جدیدی را برای رونق بخشیدن به صنایع دفاعی و صادرات اسلحه به عنوان یک منبع مهم درآمد ملی به تصویب رسانده‌اند، با چالشهای رقابت بین این دو قدرت بزرگ برای افزایش نفوذ در بازار اسلحه خاورمیانه، و ادامه روندهای حضور نیروهای نظامی خارجی و مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای برای دستیابی به موشکهای بالیستیکی برد بلند روبرو خواهیم بود. خاورمیانه از مناطق معدودی در جهان به شمار می‌آید که تجربه کاربرد تسلیحات کشتار جمعی در صحنه نبرد را پشت سر گذاشته است. آنسکام از ۱۹۹۱ تا کنون حقایقی را در مورد برنامه تهاجمی جنگ افزارهای بیولوژیکی، توانایی پیشرفته تولید تسلیحات شیمیایی، و موشکهای بالیستیکی عراق آشکار ساخته است. در جنگ دوم خلیج فارس دولت بغداد ۳۹ موشک اسکاد به اسرائیل پرتاب کرد و اسرائیلیها هنوز رژیم صدام حسین را یکی از بزرگترین تهدیدهای امنیتی خود تصور می‌کنند. با همکاری غرب، تل‌آویو در تلاش برای توسعه سیستمهای ضد موشکی پیشرفته تر برای مقابله با حملات موشکی عراقی است. اگر چه قطعنامه‌های سازمان ملل عراق را مقید ساخته تا تنها موشکهای با برد کمتر از ۹۳ مایل را برای اهداف دفاعی خود تولید کند، و با وجود این که هواپیماهای جنگنده امریکا و انگلیس در اجرای ماموریت مراقبت از اقلیتهای کرد و شیعیان عراق در مناطق شمالی و جنوبی بارها مراکز نظامی این کشور را بمباران کرده‌اند، اما بسیاری از تحلیلگران غربی بر این باورند که برنامه توسعه و تولید موشکهای بالیستیکی دور برد عراقی متوقف نشده است.

با ادامه و تشدید روند انتفاضه جدید در سرزمینهای اشغالی و شکست اسرائیل در سرکوب قیام مردم فلسطین احتمال همکاریهای بیشتر بین واشنگتن و تل‌آویو وجود دارد. در نتیجه بحث تقویت روابط استراتژیک امریکا و اسرائیل در ماههای اخیر در زمینه‌های مختلف مانند اهدای کمکهای نظامی بیشتر به ارتش اسرائیل (که میزان آن بستگی به پیشرفت در مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها خواهد داشت)، پرداخت بخشی از هزینه‌های خروج نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان پس از ۲۲ سال اشغال نظامی، و کاهش تدریجی کمک غیرنظامی همراه با افزایش کمک نظامی تا سقف ۲٫۴ میلیارد دلار به تل‌آویو مطرح بوده است. در چنین شرایطی سایر بازیگران فرامنطقه‌ای ممکن است با ورود به بازیهای قدرت در منطقه در صدد برآیند تا با سیاستهای مستقل خود بر محیط امنیت خاورمیانه‌ای تاثیر داشته باشند.

برخی از اروپاییها از وابستگی استراتژیک به امریکا ناخرسند بوده، و خواهان استقلال عمل بیشتر در زمینه های دفاعی هستند. تشکیل یک «ارتش اروپایی» مستقل از ناتو برای افزایش توانایی اروپایی ها در تعیین و اجرای سیاستهای دفاعی مشترک در مناطقی که ناتو تمایلی به مداخله نظامی ندارد، مطرح بوده است. چنین نیرویی می تواند به عنوان اهرمی در مقابل نفوذ امریکا در اروپا و در سایر مناطق جهان به کار برده شود. بنابراین نقش برجسته تری برای ملل اروپایی (از جمله روسیه) در خاورمیانه پیش بینی شدنی است. استراتژی فعلی قدرتهای بزرگ در منطقه دارای محدودیتهای آشکاری است. شورای همکاری خلیج فارس منابع لازم برای تبدیل به یک نهاد دفاعی مؤثر را در اختیار ندارد. کشورهای عضو آن دارای نیروی انسانی لازم برای افزایش قدرت نظامی این شورا نیستند. در ترتیبات فعلی، قدرتهای منطقه ای پرداخت بخشی از هزینه های ناشی از استقرار نیروهای خارجی را تقبل کرده، و قدرتهای خارجی پرسنل نظامی، تسلیحات و فن آوری نظامی پیشرفته را تامین می کنند. برقراری یک رابطه امنیتی بلندمدت بین قدرتهای منطقه ای و قدرتهای بزرگ هیچگاه راه حل دایمی برای حفظ امنیت منطقه ای نبوده است. کما این که اعمال تحریمهای اقتصادی بر ایران و ایجاد مناطق پرواز ممنوعه در عراق، و یا سیاست سرکوبگریانه اسرائیل در قبال مردم فلسطین برای خاورمیانه امنیت پایدار به ارمغان نمی آورد.

تجربه های تاریخی ناشی از فرصتهای از دست رفته در خاورمیانه آشکار می سازد که با توجه به شرایط اقتصادی منطقه و نیاز مبرم به مقابله با مسئله رشد جمعیت جوان همراه با بیکاری، هیچ کشوری در خاورمیانه وجود ندارد که بتواند هزینه های سنگین مسابقات تسلیحاتی لجام گسیخته و یا جنگهای طولانی را پردازد. یکی از فرصتهای ایجاد شده افزایش موقتی بهای نفت است که به انتقال عظیم درآمد از سایر نقاط جهان به این منطقه منجر شده است. از دیگر فرصتها باید به روند بهبود روابط ایران و عربستان سعودی و سایر بازیگران مهم منطقه ای اشاره کرد. دولت های خاورمیانه با اتکا به ثروتهای نفتی در یک برنامه ریزی دقیق برای توسعه بخش غیر نظامی باید به مسایل حادی مانند کاهش کیفیت زندگی، افزایش نابرابریهای اجتماعی-اقتصادی، افزایش شهرنشینی رسیدگی کنند. روند تهدید کننده تاکید بیش از حد بر تهدیدهای امنیتی خارجی از سوی همسایگان و رقبا باید تغییر داده شود، تا سیاستگزاران ملی توجه خود را بیشتر به عوامل داخلی ناامنی که ریشه های

اقتصادی-اجتماعی، و سیاسی دارند، معطوف نمایند. ناکافی بودن رشد اقتصادی و خدمات عمومی رفاهی به بدتر شدن وضعیت امنیت فردی انجامیده است. وجود زرادخانه‌های پیشرفته در خاورمیانه بر ساختار روابط امنیتی بین کشورهای خاورمیانه تاثیر داشته است. مسابقات تسلیحاتی جدید پیامدی جز عدم توازن بین بخش رفاه اجتماعی و بخش نظامی از یک سوء و افزایش ناامنی اقتصادی نخواهد داشت.

چالش‌ها ریشه در بی اعتمادی و ترس، و یا ضعف اقتصادی دارند. بنابراین از اقدامات سازنده‌ای مانند ایجاد نظام امنیت منطقه خلیج فارس که در آن ایران و عراق مشارکت داشته باشند، سیاست‌های هماهنگ شده منطقه‌ای برای حل مسئله فلسطین، تلاش بیشتر برای کنترل تسلیحات، کاهش مداخله خارجی در مسایل امنیتی منطقه، عزمی راسخ برای حل مشکلات اقتصادی از قبیل بیکاری، وابستگی به منابع سرمایه و فن آوری خارجی می‌توان برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدها بهره برد. کشورهای خاورمیانه می‌توانند با کاهش وابستگی نظامی به دولتهای خارجی و با عدم تاکید بر راه حل نظامی برای مشکلات سیاسی به حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای کمک کنند. قدرتهای خارجی همیشه نقشی در خاورمیانه ایفا کرده‌اند، و در آینده نزدیک هم در محیط امنیت منطقه‌ای تاثیر گذار خواهند بود، اما مداخله آنها می‌تواند غیر مستقیم و سازنده نگه داشته شود. وابستگی غرب و ژاپن به منابع انرژی منطقه، وابستگی تولیدکنندگان نفت و گاز در خاورمیانه به صدور آن به بازارهای جهانی برای تامین مالی برنامه‌های توسعه ملی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه راه را برای مداخله قدرتهای بزرگ هموار کرده است. لکن هیچ قدرتی (حتی ایالات متحده) منابع و عزم سیاسی لازم برای مداخله یک جانبه در بحرانهای منطقه‌ای را نخواهد داشت. راهکارهای مؤثر برای رفع دشواریهای امنیتی منطقه همکاری نزدیکتر بین مردم خاورمیانه، تاکید بر ایجاد و تقویت دولتهای مردمی، تاکید کمتر بر زور به عنوان روش حل و فصل اختلافها، اجرای اقدامات اعتماد سازی متقابل، و دموکراتیزه کردن بحث امنیت می‌باشند. □

سعیده لطفیان